

وظایف خانواده در روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر و شیوه‌های اجرای آن

سید آقا حسن حسینی^۱

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر با رویکردهای مختلف فقهی، حدیثی، اخلاقی، کلامی و اجتماعی مورد توجه دانشمندان مسلمان بوده و کتاب‌های مختلف در این مورد نوشته شده است؛ اما درباره این دو فریضه با رویکرد «تربیتی» آثار علمی در دسترس نیست. امر به معروف و نهی از منکر در حوزه تعلیم و تربیت به عنوان «روش» تربیتی به حیث وظایف عمومی مردم، علما و دانشمندان، خانواده، نهادهای اجتماعی قابلیت بحث و بررسی دارد. در این مقاله امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یک روش تربیتی و نیز شیوه‌های اجرای آن مطرح شده که وظیفه خانواده به‌ویژه والدین است؛ با اینکه این روش تربیتی در تحقیقات علمای پیشین به عنوان دو فریضه دینی و به مثابه اصل یا فرع دینی بحث شده؛ اما بحث و بررسی از دو دیدگاه تربیتی و فقهی به‌ویژه در قلمرو مسئولیت تربیتی خانواده بی‌پیشینه است. روش تحقیق در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی است که به مدد مراجعه به کتب و مدارک علمی به‌ویژه قرآن و سنت و تحلیل آن است و تلاش شده است حکم فقهی رجحان یا لزوم بهره‌وری از امر و نهی به اثبات برسد. در این نوشتار سعی شده که روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان تکلیف نهاد خانواده به مدد ادله عقلی و نقلی (قرآن و حدیث) بررسی گردد و روش‌های اجرایی آن در سه سطح قلبی، زبانی و عملی با نگاه فقه‌ای تدقیق شود. مهم‌ین ادله وظیفه‌مندی خانواده عبارت است از آیه وقایه، آیه امر اهل به نماز، آیه امر به معروف نسبت اقوام، آیه امر به معروف به حیث فلسفه رسالت انبیاء و آیه وجوب اطاعت از اوامر پیامبر اکرم (ص).

کلیدواژه‌ها: خانواده، تربیت، روش تربیت، امر به معروف، نهی از منکر

۱. گروه فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه. سرپل، افغانستان.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر بر اساس آیات قرآن کریم و روایات منقول از معصومین^(ع)، وظیفه دینی هر مسلمان است. برخی از افراد به دلیل جایگاه خانوادگی و اجتماعی مانند عالمان دینی، حکومت اسلامی و والدین در این حوزه وظیفه مضاعف دارند. خانواده نسبت به اعضای خویش مسئولیت تربیتی، هدایتگرانه و آموزشی دارد. امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک روش برجسته تربیتی، باید مورد استفاده مربیان تربیتی قرار بگیرد. خانواده به ویژه والدین به عنوان اینکه مهم ترین مربیان تربیتی هستند، می توانند در تربیت از روش امر و نهی بهره ببرند و برای اجرای روش امر و نهی می توانند از شیوه های مختلف بهره ببرند. در این مقاله سعی شده است وظیفه خانواده در امر به معروف و نهی از منکر، با استناد به آیات هفت گانه و روایات متعدد اثبات شود و به برخی از شیوه های اجرای آن نیز پرداخته شود.

۱. مفهوم شناسی

مفهوم تربیت

تربیت دارای دو ریشه است. اگر از ماده «ربو» باشد، به معنای تغذیه دادن، زخم، زمین، فزون یافتن، زمین بلند و... به کار می رود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸: ۲۸۳) صاحب بن عباد این ماده را به معنای کثرت و رشد و نما دانسته (ابن عباد، ۱۴۱۴، ۱۰: ۲۷۵) و ابن فارس «ربو» را یک اصل شمرده که به معنای زیادت، رشد و نماء و علو نفس است؛ (ابن فارس، بی تا، ۲: ۴۸۳) اما اگر از ماده «ربب» باشد، به معنای اصلاح و اتمام و تربیت بیان شده. (جوهری، ۱۴۰۷، ۱۰: ۱۳۰) راغب می نویسد: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرِيْبَةُ وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ»؛ رب در اصل تربیت است که به معنای ساختن مداوم چیزی تا رساندن آن به حد تمام و کمال است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶)

تربیت در اصطلاح مجموعه فعالیت هایی است که به منظور ایجاد تغییر تدریجی در وجود مربی انجام می گیرد، (اعم از فعالیت های تعلیمی، موقعیت ساز،



برانگیزاننده، بازدارنده، وادارنده و اصلاحی) و همه ساحت‌های وجودی وی (بدنی، ذهنی و شناختی، عاطفی و روانی، رفتاری، اخلاقی، جنسی، خانوادگی، اجتماعی و...) در محدوده تربیت و دگرسازی قرار دارد.

مفهوم امر و نهی

واژه امر (أ. م. ر) اسم مصدر، جامد و نقیض نهی به معنای دستور دادن و جمع آن «اوامر» است و گاهی به معنای شأن می‌آید که جمع آن «امور» است. کاربردهای امر به دو معنی آمده است: ۱. «کار و چیز» که جمع آن «امور» است؛ مانند کلمه امر در آیات شریفه «إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷) و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) و آیه «إِلَى اللَّهِ تُرْجَع الْأُمُورُ» (حدید: ۵) اشاره کرد. ۲. دستور و فرمان و ضد نهی که جمع آن «اوامر» است؛ به عنوان مثال آیه «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹) و «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»، (یوسف: ۴۰) از این قبیل است. مراد از امر در فعالیت‌های تربیتی، هر نوع فعالیت وادارنده و تحریک کننده است که در یکی از ساحت‌های وجودی متربی و مخاطب تأثیر گذاشته و موجب بعث و تحریک فرد به انجام فعل معروف (با اشاره، زبان، دست و...) می‌شود.

نهی اسم مصدر و در لغت به معنای بازداشتن و منع کردن است «به معنای زجر و منع آمده است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۶)

شهید ثانی در تشریح مفهوم امر به معروف و نهی از منکر معتقد است: «امر به معروف، وادار کردن دیگران به اطاعت و نهی از منکر، بازداشتن آنان از انجام گناه است که می‌تواند با زبان یا عمل انجام شود». (شهید ثانی، بی‌تا، ۱: ۲۲۴) امر به معروف و نهی از منکر فعالیت است که با هدف اصلاح برای اصلاح رفتار فرد و جامعه، برانگیختن افراد جامعه برای انجام کار یا بازداشتن آنان از انجام عملی، انجام می‌گیرد. امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و یکی از فعالیت‌ها و روش‌های تربیتی است که در قرآن و روایات محور سایر مباحث دینی قرار گرفته است. بنابراین امر به معروف یعنی وادارسازی، برانگیختن و فرمان دادن به چیزی که از منظر عقل



یا شرع خوب و مطلوب است و نهی از منکر عبارت است از بازداشتن و منع کردن از چیزی که از دیدگاه عقل و شرع، قبیح و ناپسند است.

۲. وظیفه خانواده در امر به معروف و نهی از منکر

یکی از نهادهای اساسی در درون جامعه، نهاد خانواده است که به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، بزرگ‌ترین نقش تربیتی را در جامعه ایفا می‌کند. خانواده در کنار مدرسه از مهم‌ترین عوامل تربیتی است؛ زیرا پایه‌های شخصیتی کودکان، پیش از ورود به جامعه در خانواده شکل می‌گیرد. تجربه بودن در محیط و فضای خانواده و هم‌نشینی با والدین و اقارب نزدیک، موجب تأثیرپذیری و الگوگیری از رفتار و گفتار اطرافیان و شیوه زندگی آنان شده و همه این‌ها در شکل‌گیری و تثبیت هویت کودک نقش دارد.

با توجه به نقش مؤثر خانواده در تربیت فرزند، قرآن کریم در آیات متعددی امر به معروف و نهی از منکر را متوجه والدین نموده و حکم امر به معروف و نهی از منکر را برای والدین تشریع و تکلیف نموده است. در ذیل به آیاتی اشاره می‌شود که خداوند رسالت امر به معروف را به عهده خانواده گذاشته و اینجا به عنوان دلایل وظیفه داشتن خانواده در قبال امر به معروف و نهی از منکر با هدف تربیت فرزندان، ارائه و تبدیل می‌شود:

۱-۲. آیه وقایه

یکی از آیاتی که وظیفه و رسالت پدر را در قبال تربیت خانواده به صورت جدی تبیین می‌کند، آیه وقایه است. در این آیه هر چند عنوان امر و نهی ذکر نشده است، ولی روایات پیرامون آیه به تفسیر آیه پرداخته و با صراحت به امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ (تحریم: ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که آتش‌گیره‌اش مردم و سنگ‌ها است،



حفظ کنید و نگه دارید. فرشتگانی خشن و سخت‌گیر بر آن آتش گماشته شده‌اند که خدا را در آنچه به آنان دستور دهد، نافرمانی نمی‌کنند و همان‌کنند که دستور دارند. دستیابی به مفاد آیه نیاز به بررسی چند نکته دارد:

۱. اهل: از بررسی لغوی استفاده می‌شود که «اهل» واژهٔ پرکاربرد است و به خویشاوندان و اقوام استعمال می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴: ۸۹) اهل به اعضای یک خانواده، مانند همسر و فرزندان گفته می‌شود. اهل در لغت به معنای «من یجمعهم نسب او بیت او دین»، آمده است. در واقع وجه جامع بین گروه را اهل می‌گویند. گاهی به جمع شدن عده‌ای بر حسب خویشاوندی و نسب و گاهی غیر آن مثل دارای دین واحد و بیت واحد، مانند اهالی عدن یا اهالی رسانه یا کسانی که در یکجا زندگی می‌کنند را اهل می‌گویند (حسن عمید، ۱۳۷۵: واژهٔ اهل) به نظر می‌رسد قدر متیقن از اهل در این آیه شریفه، همسر و فرزندان است. (نووی، ۱۴۱۷، ۲: ۵۴۲)

۲. بررسی مفاد آیه: آیه برای سرزنش بعضی از همسران پیامبر^(ص) نازل شده است؛ اما خداوند روی سخن را به همهٔ مؤمنان کرده و دستوراتی دربارهٔ تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آن‌ها می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴: ۲۸۶) آیه شریفه به این نکته اشاره می‌کند که یکی از راه‌های نگهداری خانواده تربیت درست فرزندان است و اینکه آنان را به کارهای نیک امر کنید و از کارهای بد و زشت بازدارید. نباید فرزندان و اهل خانه را رها کرده و در برابر تربیت آنان بی‌تفاوت باشید.

ارتباط این آیه با آیات امر به معروف به کمک روایاتی برقرار می‌شود که در ذیل آیه نقل شده و تفسیر کنندهٔ آیه است. در روایات از شیوه‌های حفظ اهل بیت سخن به میان آمده است؛ مثل آموزش دادن خیر، امر به معروف و نهی از منکر. در اینجا به سه نمونه‌ای از روایات پیرامون آیه وقایه اشاره می‌شود:

امام علی^(ع) فی قوله تعالی: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»: می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ». (المنذری، ۱۴۳۹، ۱: ۱۲۱)

امام صادق^(ع): «لَمَّا سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنْ وَقَايَةِ الْأَهْلِ قَالَ: تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ، وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ عَنْهُ، فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ



قَضَيْتَ مَا عَلَيَّكَ.» امام صادق^(ع) در پاسخ به ابو بصیر که پرسید چگونه خانواده را باید از آتش نگهداشت، فرمود: آن‌ها را به انجام آنچه خدا فرمان داده است، فرمان می‌دهی و از آنچه خدا منع‌شان فرموده است، منع می‌کنی. اگر از تو اطاعت کردند آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانی‌ات کردند، تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای. (قمی، ۱۳۶۷، ۲: ۳۷۷)

امام صادق^(ع): لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «قُومُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي، فَقَالَ: أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي، كَلَّفْتُ أَهْلِي! فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ؛ (طبرسی، بی‌تا: ۴۵۵). چون آیه «خود و خانواده خود را از آتش نگاه دارید» نازل شد، مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریستن کرد و گفت: من خودم را نمی‌توانم حفظ کنم؛ حالا مسئولیت خانواده‌ام نیز به عهده من گذاشته شد. رسول خدا به او فرمود: برای تو همین کافی است که آنچه را به خودت فرمان می‌دهی، به آنان نیز فرمان دهی و از آنچه خودت را منع می‌کنی، آنان را نیز منع کنی.

حکم مستفاد از آیه وقایه با توجه به صیغه امر و اینکه تهدید به عذاب و آتش جهنم به صورت شدت و حدت مطرح شده است، وجوب امر به معروف و نهی منکر است؛ یعنی در فضای خانواده بر اعضای فامیل واجب است که یکدیگر را امر و نهی نمایند.

۲-۲. آیه وصیت لقمان

دلیل دیگر و حیانی بر اثبات امر به معروف و نهی از منکر به عنوان روش فقهی - تربیتی خانوادگی، آیه وصیت لقمان به فرزندش است که فرمود:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ (لقمان: ۱۷) ای پسرک من! نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است، شکیبا باش. این حاکی از عزم و اراده تو در امور است.

آیه به سفارش‌های حضرت لقمان نسبت به پسرش اشاره دارد که از جمله آن امر



به معروف و نهی از منکر است. ذکر این مهم در کنار سفارش به نماز، دلیل بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده است و نشان می‌دهد که از کارهای مهم والدین توجه به تربیت دینی و اجتماعی فرزند است. رسالت یک پدر این است از نماز فرزند و شیوه‌های تربیت اجتماعی وی غافل نباشد.

بررسی دلالت آیه: نکته مهم در دلالت آیه، دانستن این نکته است که دستور لقمان نسبت به فرزندش چه نوع فرمانی است؟ آیا فرمان لقمان یک دستورالعمل مولوی و الزامی است یا یک فرمان ترجیحی؟ با حفظ اینکه این امر از ناحیه حضرت لقمان^(ع) صادر شده است و لقمان به عنوان یک فرد الهی مطرح است (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ۴: ۱۴۱). در اینکه او امر لقمان حکیم^(ع) در قرآن دلالت بر وجوب می‌کند یا رجحان، مبتنی بر دو فرض محل بحث است:

احتمال اول: لقمان پیامبر الهی است و او امر او در واقع او امر الهی است. بر فرض پیامبر بودن لقمان^(ع)، او به عنوان مبلغ و رسول الهی از طرف خدا ابلاغ کننده پیام الهی است و او امر او در واقع، او امر الهی است؛ یعنی لقمان، حکم الهی را برای فرزند خود بیان کرده است. در این احتمال، آیه دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱)

علامه طباطبایی معتقد است که مقام ثبوتی لقمان، همان مقام نبوت است و روایتی را از پیامبر اکرم^(ص) هم بر تأیید ذکر نموده است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ۴: ۱۴۱) طبق این دیدگاه امر به معروف دلالت بر الزام عمل می‌کند و علاوه بر آن، از ساختار آیه و هدایت‌شونده جمله «ان ذالک من عزم الامور» می‌شود الزام را استفاده کرد؛ زیرا «عزم» به معنای اراده محکم است و تعبیر به «عزم الامور» در اینجا یا به معنای کارهایی است که دستور مؤکد از سوی پروردگار به آن داده شده یا کارهایی که انسان باید نسبت به آن عزم آهین و تصمیم راسخ داشته باشد. هر کدام از این دو معنا باشد، اشاره به اهمیت آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۵۳) پس اجرای امر به معروف و نهی از منکر برای پدر جهت هدایت فرزند امر لازم و واجب است. اشکال: اگر «من عزم الامور» قید همه گزاره‌های انشائی باشد، آیه دال بر لزوم

امر به معروف است؛ اما اگر «من عزم الامور» قید به جمله اخیر «واصبر علی ما اصابک» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۱: ۸۹) باشد، از آیه حکم الزامی استنباط نمی‌شود؛ زیرا قدر متیقن مورد اخیر است.

احتمال دوم: اوامر لقمان به عنوان دستور ویژه تربیت خانوادگی مطرح شده است؛ یعنی لقمان به عنوان یک پدر دلسوز، به فرزند توصیه‌های اخلاقی و هدایت‌گرانه داشته و شأن ولایت پدری را اعمال کرده است. در این صورت که نصیحت پدرانه انجام می‌شود، برآیند این اوامر حداکثر رجحان امر به معروف است. بنابراین طبق این دیدگاه آیه بیانگر جایگاه نقش پدر در تربیت فرزند است و مفاد آیه، رجحان امر به معروف و نهی از منکر نسبت به فرزند است.

بهره‌وری از آیه و توسعه حکم مستفاد از آن به عموم سرپرستان خانواده‌ها، مبتنی بر «الغای خصوصیت» است و با اینکه خطاب آیه متوجه فرزند لقمان است؛ اما مورد، مختص نیست. ثانیاً در صورت احتمال اول (پیامبر بودن لقمان) به کمک قاعده «تأسی» از انبیای الهی، می‌توان حکم وجوب یا رجحان امر و نهی را توسعه دارد.

۲-۳. آیه امر خانواده به نماز و زکات

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ (مریم: ۵۵) و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده رفتار بود.

آیه از سه جهت، خاص و مقید است: ۱. فاعل مأموریت پیامبر الهی حضرت اسماعیل صادق الوعد است. (مریم: ۵۴) در این صورت آیه بیانگر سیره عملی آن حضرت است. ۲. متعلق امر عبارت است از «اهل». لذا آیه از ادله امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانواده محسوب می‌شود. ۳. مأمور به امر مطلق معروف نیست، بلکه منحصر در تربیت عبادی است. نماز نماد عبادت بدنی و زکات به عنوان نمونه عبادت مالی مورد تأکید قرار گرفته است.

با اینکه مورد آیه خاص است؛ اما چون آیه اشاره به ویژگی‌هایی دارد که مختص فضای خانواده است، لذا از حیث متعلق با الغای خصوصیت می‌توان حکم مستفاد از آیه را سرایت داد به همه پدرانی که دارای اهل هستند.



الغای خصوصیت دوم نسبت موضوع امر و نهی (صلوة و زکات) است؛ یعنی در فضای «تربیت خانوادگی» غیر از صلوة و زکات که جنبه عبادت بدنی و مالی دارد، چیزهای دیگر نیز همین حکم را دارد؛ مثل روزه، امر به معروف و نهی از منکر و آیه شامل آن موارد نیز می‌شود. بنابراین آیه بحث تربیتی را در فضای خانواده مطرح می‌کند.

بررسی دلالت آیه: این آیه شریفه، اشاره به امر به معروف در فضای خانواده دارد. پرسش این است که امر اهل خانواده به نماز و زکات به عنوان دو عبادت بدنی و مالی دارای چه حکمی است؟ تردیدی نیست که متعلق امر در آیه نماز و زکات است و نماز و زکات جزو فروع دین و از واجبات است. پس می‌توان استفاده کرد که امر به نماز و زکات خانواده از سوی پدر الزامی است. دلیل بر الزام امر به معروف و نهی از منکر این است که در آیه ساختار امر به صورت فعل استمراری است. جمله «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ» ترکیب از فعل ماضی و مستقبل، دلالت به استمرار و تداوم امر به اهل خانواده دارد. از نظر برخی مفسران دلالت ترکیب فعل ماضی و مضارع بر وجوب بیشتر از امر نباشد، کمتر نیست. (اعرافی، درس خارج فقه، ۱۱ آذرماه ۱۳۹۳ مسئله ۲۹) در علم اصول در بحث حجیت فعل معصوم، این بحث مطرح شده است که فعل معصوم^(۷) دلالت بر رجحان فعل می‌کند؛ اما اگر فعل معصوم^(۸) به صورت ساختار استمراری ذکر شود، در این صورت الزام فعل استفاده می‌شود. بنابراین جمله «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»، دلالت آیه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده تقویت می‌شود. بنابراین آیه شریفه امر به معروف و نهی از منکر را به حیث دوروش تربیتی در فضای خانواده مطرح نموده است و حضرت اسماعیل^(۹) به عنوان یک پدر مربی، مکلف است که در تربیت عبادی و اجتماعی فرزند به صورت پیوسته امر به نماز و زکات و کارهای نیک نماید و در تربیت صحیح خانواده به خصوص فرزندان، غفلت نکند. در آیات قبل اشاره شد که از زیبایی‌های قرآن کریم، تعمیم‌پذیری معارف آن است. از این رو مورد نزول در جای که دلیل خاص نباشد، مخصص نیست و شامل همه موارد می‌شود که نسبت پدر و پسر برقرار باشد. بنابراین از ساختار آیه «كَانَ



یأمر» استمرار فعل استفاده می‌شود و متعلق امر، نماز و زکات دو امر وجوبی است. لذا از آیه یک تکلیف الزامی فعل در فضای خانواده، استفاده می‌گردد.

۴-۲. آیه اصطبار

یکی دیگر از آیاتی که امر به معروف را به عنوان تکلیف خاص تربیتی در فضای خانواده مطرح نموده این آیه است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲) خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! از توروزی نمی‌خواهیم، (بلکه) ما به توروزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقوا است.

بررسی مفهومی آیه: یکی مفهوم اهل قابل بررسی است که مفهوم لغوی آن در آیه وقایه (تحریم: ۶) بررسی شد؛ اما مراد از اهل در این آیه چیست؟ مفسرین سه احتمال ذکر کرده‌اند:

۱. منسوبین خانواده است. (نیاوردی، بی تا، ۳: ۴۳۴)
۲. پیروان پیامبر اسلام است. (همان)
۳. هر دو احتمال می‌تواند باشد؛ زیرا آیه و کلمه اهل ظرفیت شمول هر دو معنا از اهل را دارد.

در اهمیت امر تربیت اهل خانواده به نماز و صبر و شکیبایی در آن، همین بس که وقتی آیه نازل شد، ابوسعید خدری می‌گوید که پیامبر (ص) تا نه ماه، وقت نماز در خانه زهرا و علی می‌آمد و می‌فرمود: «الصلاة رحمکم الله! إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۵۹۱۰) امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «خدا پیامبر را مأمور کرد که تنها اهل بیت خود را امر کند تا بدانند که اهل بیت را پیش خدا منزلتی است که برای دیگران نیست. پیامبر نخست آن‌ها را با همه مردم مأمور به نماز کرد، سپس به دیگران امر نمود». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۵۹۱۰)

دوم مفهوم اصطبار از ماده صبر، به معنای مبالغه در صبر است؛ زیرا صبر به



باب افتعال رفته است و بر اساس قاعده «زیادة المبانى تدل على زیادة المعانى». (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۳۵۷) لذا اصطبار یعنی خویشتن را وادار کردن به صبر است، لذا قرآن کریم می‌فرماید: «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ». (مریم: ۶۵) (قرشی بنایی، ۴: ۱۰۶).

بررسی دلالت آیه: آیه مورد بحث، مانند آیه قبل از سه جهت خاص است؛ زیرا مخاطب آیه شخص پیامبر^(ص) است، آیه اختصاص به تربیت خانوادگی دارد و مأمور به در آیه، نماز است؛ اما با الغای خصوصیت می‌توان شأن نزول آیه را به هر ولی و هر کسی که اهل داشته باشد، تعمیم داد. از آنجا که مأمور به نماز است و پیامبر^(ص) بعد از نزول آیه تا نه ماه به در خانه علی^(ع) و فاطمه (س) برای یادآوری نماز می‌رفتند، استفاده می‌شود که حکم مستفاد از آیه مثل آیه قبل الزام امر به معروف (مصدق اتم معروف) و نهی از منکر در فضای خانواده است.

۲-۵. آیه امر به معروف نسبت به اقوام

یکی دیگر از آیات امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانواده، آیه‌ای است که امر به معروف را نسبت به اقوام بیان می‌کند:

وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ؛ (اعراف: ۱۴۵) و در الواح تورات برای او در هر موردی پندی و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم. پس فرمود: ای موسی! آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فراگیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می‌نمایانم.

۵-۲-۱. بررسی مفهومی آیه

۱. الواح: واژه الواح از ریشه «لوح» در لغت به معنای صحیفه‌ای است که از چوب یا پوست حیوان درست می‌شد و از آن برای نوشتن مطالب بهره می‌بردند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳: ۳۰۰) در اصطلاح قرآنی به دو معنای متفاوت از هم به کار رفته است؛ تخته‌هایی که در کشتی حضرت نوح^(ع) به کار رفته بود (قمر: ۱۳) و ورق‌های کتاب آسمانی که تورات بر آن نوشته شده بود: «و ما یکتب فیه من الخشب و نحوه» و قوله

تعالی: «فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ». (بروج: ۲۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۵۰) الواح در آیات ۱۵۰ و ۱۵۴ سوره اعراف، به معنای الواح نازل شده بر موسی به کار رفته است؛ اما مراد از «الواح»، در آیه شریفه مورد بحث چوب، تخته و سنگ‌نوشته‌های تورات است.

۲. مفهوم احسن: مراد از احسن در «وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا»، در تفاسیر چند احتمال داده شده است: ۱. احسن به معنای قوت؛ یعنی به قوم خودت امر کن که تورات را با قوت بگیرند؛ ۲. به معنای علم؛ یعنی بهترین گرفتن، گرفتن با علم و معرفت است؛ ۳. مراد از احسن در دوران امر بین اهم و مهم، بهترین عمل انجام دادن است؛ ۴. ممکن است مراد از احسن دستورات تورات باشد؛ ۵. ممکن است مراد از احسن تمام قوانین و دستورات آن زمان باشد؛ (قرائتی، ۱۳۸۳، ۳: ۱۷۱) اما در جایی که احسن به طور مطلق به کار رود، مراد قرآن است، همان طوری که در سوره زمر به آن اشاره شده است: «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ». (زمر: ۵۵)

۵-۲-۲. خودسازی قبل از دیگرسازی

آیه مورد بحث ضمن این که وظیفه اجرای امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به اقوام در فضای خاص قومی بیان می‌کند؛ اما اشاره به یک نکته‌ای مهم‌تری دارد و آن این است که اگر انسان بخواهد در اجرای یک مسؤولیت اجتماعی، موفق عمل نماید، راز موفقیت درگرو شروع خوب عمل است و این شروع خوب از خود و بستگان است. اگر آمر به معروف، خود و خانواده‌ای اصلاح شده نداشته باشد، تمام فعالیت‌ها و فرمان‌های وی در فضای اجتماعی بازخورد منفی خواهد داشت. لذا این آیه درواقع به شرط موفقیت مسؤولیت‌های اجتماعی، اشاره می‌کند و به این که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر از خود و خانواده و اقوام نباید غفلت کرد. لذا پیامبر^(ص) در ابتدای رسالت وقتی خواست رسالت خود را علنی و اجتماعی نماید، خداوند فرمود: «و انذر عشیرتک الاقریین». (شعرا: ۲۱۴)



۵-۲-۳. بررسی دلالت آیه

نتیجه بررسی نکات تفسیری آیه‌ای شریفه دو نکته را تبیین می‌کند:

۱. آیه به الواح تورات حضرت موسی^(ع) اشاره دارد که آن را خودت با قدرت اخذ نما و قوم خود را مأمور به اخذ کن؛ امّا می‌توان جمله «و امر قومک یأخذوا باحسنها» را به امت پیامبر اسلام^(ص) به نسبت قرآن که احسن الحدیث است، تعمیم داد به این که به فرامین و قوانین قرآن عمل نمایند.

۲. در حکم مستفاد از آیه دو احتمال مطرح است: احتمال اول اینکه حکم مستفاد از آیه رجحان امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا در آیه «یأخذوا باحسنها» اخذ به احسن آمده که به صورت ساختار تفضیلی است و در ذات صیغ تفضیلی، مقایسه نهفته است و در جای که مقایسه باشد دلالت بیش از رجحان فعل نمی‌کند. پس امر به معروف رجحان دارد. احتمال دوم آن است که مراد از احسن در این آیه «حسن» است و تعبیر «وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا» که امر به امر است، افاده وجوب می‌کند.

۲-۶. آیه امر به معروف فلسفه رسالت پیامبران

در برخی از آیات امر به معروف و نهی از منکر، امر به معروف را فلسفه رسالت رسولان الهی معرفی نموده است:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛ (نحل: ۳۶) در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم تا بگوید: خدا را پرستید و از طاغوت فریگیر پرهیزید.

در این آیه هرچند سخن از واژه امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ امّا از عنوان «واعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت»، می‌شود امر و نهی را به دست آورد؛ زیرا پرستش خدا زیباترین جلوه معروف است. امر به پرستش خدا یعنی امر به مصداق اتم معروف‌ها و طاغوت «مصادق اتم منکر» است و یکی از مراحل نهی از منکر اجتناب از منکر است. علاوه بر آن در تفسیر آیه شریفه، روایاتی وجود دارد که به صراحت به



امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد؛ چنانکه زمخشری در این باره معتقد است: «ما من أمة إلا وقد بعث فيهم رسولا يأمرهم بالخير الذي هو الإيمان وعبادة الله و اجتناب الشر الذي هو الطاغوت فمنهم من هدى الله أي لطف به لأنه عرفه من أهل اللطف و منهم من حقت عليه الضلالة أي ثبت عليه الخذلان و الشرك». (ابوحيان، ۲۰۰۰، ۶: ۵۲۸)

هیچ امتی نیست مگر خداوند رسولی را در میان آنان برمی‌انگیزد که امر به خیر و نهی از شر نماید. (طبرسی، ۱۳۴۷، ۲: ۲۸۶) برخی مفسرین معتقدند: «لقد بعث في كل أمة رسولا أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت: يأمر بعبادة الله و اجتناب الطاغوت. فمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ و قَقَّهْم لِلإيمان بإرشادهم». (قمی مشهدی، ۱۳۶۸۷: ۲۰۶)

از آیه استفاده می‌شود مهم‌ترین هدف رسالت امر به خیر و بندگی خدا و دوری از طاغوت است و والاترین نهی از منکر هم مبارزه با حکومت طاغوتی است.

بررسی دلالت آیه: در این آیه مهم‌ترین فلسفه بعثت پیامبران، امر به عبادت و پرستش خدا و نهی از طاغوت شمرده شده است. امر به پرستش خدای یگانه؛ یعنی امر به معروف و نهی از اطاعت طاغوت؛ یعنی دوری از منکر. در اهمیت این دو فریضه الهی همین بس که از مهم‌ترین مسؤولیت‌های پیامبران به شمار آمده است. از طرف دیگر در موردی که امر و نهی جزو وظایف و فلسفه نبوت باشد، اجرای آن بر پیامبر^(ص) واجب و الزامی است. با الغای خصوصیت از باب اینکه امت پیامبر^(ص) با پیامبر^(ص) اشتراک در تکلیف دارد یا به کمک قاعده تاسی، می‌توان مورد آیه را تعمیم داد و تکلیف را متوجه همه امت دانست.

۷-۲. آیه وجوب اطاعت از امر و نهی پیامبر^(ص)

مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ و مَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا و اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ (حشر: ۷) آنچه او به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را بازداشتی است، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خداوند سخت‌کیفر است.

«فخذوه» صیغه امر است و دلالت بر وجوب می‌کند. لذا مفاد آیه این می‌شود که اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر اسلام^(ص)، واجب است و آیه امر به معروف و نهی



از منکر را رسالت پیامبر^(ص) می‌داند به اینکه پیامبر^(ص) از طرف خداوند مأموریت دارد که امت خود را به نیکی امر نماید و از کارهای زشت بازدارد. بنابراین پیامبر^(ص) وظیفه دارد تا فرمان‌ها خداوند را ابلاغ نماید، از جمله این فرمان‌ها امر به معروف و نهی از منکر است و در مقابل اطاعت از امر و نهی پیامبر^(ص) برای امت آن حضرت واجب است.

از جانب دیگر بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) و آیات دیگر، اطاعت خداوند متعال و رسول اکرم^(ص) واجب است. لزوم اطاعت در همه اوامر الهی و نبوی است و یکی از دستورات الهی و نبوی روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر است. از سوی سوم رسول خاتم مکرر دستور به اجرای امر و نهی صادر نموده است، دستورات او در امر به نیکی‌ها و نهی از زشتی‌ها مانند سایر دستورات ایشان واجب است.

۳. روش‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر در خانواده

امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانواده از حیث مخاطب به عام و خاص تقسیم می‌شود. عام بودن بدین معنا است که تمام اعضای خانواده بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»، (تحریم: ۶) نسبت به یکدیگر مکلف هستند و خاص بودن بدان معنا است که بر پایه آیاتی مانند «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» (لقمان: ۲۱) و «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»، (طه: ۱۳۲) برخی از اعضای خانواده مانند والدین نسبت به فرزندان، مکلف هستند. از این رو به نظر می‌رسد روش‌های اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانه دست‌کم باید به دو نوع روش عام و خاص تقسیم شود.

با توجه به نقش مؤثر خانواده در تربیت فرزند، قرآن کریم در آیات متعددی امر به معروف و نهی از منکر را متوجه والدین نموده است و حکم امر به معروف و نهی از منکر را برای والدین به‌ویژه پدر، تشریع و تکلیف نموده است. در ذیل به آیاتی اشاره می‌شود که خداوند رسالت امر به معروف را به عهده خانواده گذاشته است.

۱-۳. روش و دلایل امر و نهی لسانی

مطابق برخی از ادله نقلی، یکی از مؤثرترین روش‌های امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی، امر و نهی زبانی از طریق بیان آثار و تبعات مثبت و منفی اعمال و رفتار اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان است. این روش را می‌توان روش گفتگوی مستقیم میان والدین و فرزندان توصیف کرد. برخی از آیات و روایات بر امر و نهی لسانی در محیط خانواده دلالت دارند که در ادامه بررسی می‌شود:

۳-۱-۱. آیه وقایه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم: ۶)

بررسی مفهومی و دلالتی آیه: در روایات شیوه‌های صیانت اهل مطرح شده است؛ مثل آموزش دادن و امر به معروف و نهی از منکر. در اینجا به سه نمونه از روایات پیرامون آیه وقایه اشاره می‌شود:

امام علی^(ع) می‌فرماید: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»: «عَلِّمُوا أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ». (المنذری، ۱۴۳۹، ۱: ۱۲۱)

امام صادق^(ع) می‌فرماید: «لَمَّا سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٌ عَنْ وَقَايَةِ الْأَهْلِ قَالَ: تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ، وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ عَنْهُ، فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ». (قمی، ۱۳۶۷، ۲: ۳۷۷)؛ امام صادق^(ع) در پاسخ به ابوبصیر از آیه مفهوم وقایه پرسید که چگونه خانواده را باید از آتش نکه داشت، فرمود: آن‌ها را به انجام آنچه خدا فرمان داده است، فرمان می‌دهی و از آنچه خدا منعشان فرموده است، منع می‌کنی. اگر از تو اطاعت کردند آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانی‌ات کردند، تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای.

امام صادق^(ع) فرمودند: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي، فَقَالَ: أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي، كَلَّفْتُ أَهْلِي! فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ؛ چون آیه «خود و خانواده خود را از آتش نکه‌دارید» نازل شد، مردی از مسلمانان نشست



و شروع به گریستن کرد و گفت: من خودم را نمی‌توانم حفظ کنم؛ حالا مسئولیت خانواده‌ام نیز به عهده من گذاشته شد. رسول خدا به او فرمود: برای تو همین کافی است که آنچه را به خودت فرمان می‌دهی، به آنان نیز فرمان دهی و از آنچه خودت را منع می‌کنی، آنان را نیز منع کنی.

پس از نزول آیه و بر اساس روایت سوم، حضرت صرف امر و نهی کردن زبانی به اعضای خانواده را مصداق وقایه معرفی می‌کند. از این روش امر و نهی زبانی رجحان مطلق دارد. «قُوا» هم‌زمان بر وجوب و ندب دلالت می‌کند و فقط کُلفت و مشقت زیاد و لابدیت را برمی‌دارد.

قدر متیقن از دایره مفهومی «اهل» در آیه وقایه، «خانواده کوچک» است و قدر متیقن از اعضای خانواده «مسئولیت پدر و مادر نسبت امر و نهی فرزندان» است. برخی از فقها معتقدند حتی در روش امر و نهی زبانی در فضای خانواده باید با «درخواست» و «موعظه» و لینت همراه باشد. (سیوری، ۱۴۲۵، ۱: ۳۳۹؛ نراقی، ۱۴۲۹، ۱: ۲۲۳) گفتنی است روش‌های صیانت و وقایه در آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»، گاهی عملی است؛ یعنی باید والدین دست به اقدام عملی زده و مانع فعل منکر فرزندان شوند و گاهی به روش امر و نهی زبانی محقق می‌شود. بنابراین مجموعه‌ای از روش‌ها در محدوده این تکلیف قرار می‌گیرد که یکی از آن‌ها روش امر و نهی زبانی است. از این رو آیه به رجحان مطلق به کارگیری این روش دلالت دارد.

۳-۱-۲. آیه امر به نماز

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (مریم: ۵۵)

این آیه به روش امر و نهی زبانی در محیط خانواده در خصوص مناسک عبادی مانند نماز و زکات اختصاص دارد. از آنجاکه در این آیه «كَانَ يَأْمُرُ» مفید استمرار بوده و استمرار بر امر راجح، قرینه‌ای بر برداشت وجوب است، آیه بر الزام یا دست‌کم استحباب به کارگیری روش امر و نهی زبانی دلالت دارد.

گفتنی است مأمور به در این آیه، خصوص نماز و زکات است؛ اما الغای خصوصیت از نماز و زکات ممکن است؛ زیرا این دو از نوع عبادات بدنی و مالی بوده و بعید



نیست آیه سایر عبادات مالی و بدنی را شامل شود. از این رو قلمرو روش امر و نهی زبانی، غیر از ساحت تربیت عبادی، سایر ساحات را نیز شامل می‌شود. مفاد آیه فوق، نقل سیره است و سیره بیش از جواز، دلالتی ندارد؛ اما بر اساس سه قرینه «نقل سیره در قرآن»، «استمرار سیره» و «عبادی بودن موضوع سیره» بیش از جواز؛ یعنی رجحان از آیه قابل استنباط است.

پس آیه بر رجحان روش امر و نهی زبانی در فضای خانوادگی دلالت دارد. گفتنی است خطاب آیه به حضرت اسماعیل^(ع) اختصاص دارد؛ اما با توجه به قاعده تأسی متخذ از آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، (احزاب: ۲۱) حکم منطوی در آیه، شامل همه مکلفان از جمله عاملین تربیتی می‌شود.

۳-۱-۳. آیه اصطبار

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (طه: ۱۳۲)

این آیه در مورد تربیت عبادی فرزند و خانواده است که با روش امر و نهی مستقیم و زبانی صورت می‌گیرد. در این آیه خداوند مستقیماً به پیامبر^(ص) فرمان می‌دهد تا فرزندان و اعضای خانواده را امر به معروف نماید. خطاب قولی در این آیه، بر وجوب امر و نهی زبانی دلالت دارد.

گفتنی است با اینکه خطاب به پیامبر^(ص) است؛ اما حتماً شامل دیگران هم می‌شود؛ زیرا اولاً الغای خصوصیت امکان‌پذیر است، ثانیاً بر اساس قاعده لزوم، الگوبرداری از پیامبر^(ص) مطابق آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، (احزاب: ۲۱) مردم وظیفه دارند در همه امور به ایشان تأسی نمایند. پس آیه مزبور بر وجوب به کارگیری از روش امر کردن در خصوص عبادت (نماز) نسبت به اعضای خانواده اعم از همسر و فرزندان بالغ، دلالت دارد.

۳-۱-۴. آیه وصایت لقمان

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان: ۱۷)

از جمله آیاتی که امر به معروف و نهی از منکر لسانی در عرصه خانواده دلالت



دارد، آیه فوق است. (مفید، ۱۳۱۴: ۸۰۸؛ طوسی، ۱۴۰۶: ۱۴۸؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۲: ۲۷۳) لقمان به فرزند خود فرمان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر کند، نفس این فرمان، در رجحان به‌کارگیری از روش امر و نهی لسانی دلالت دارد. این آیه به تربیت خانوادگی نظر دارد و قضیه شخصی و ناظر به رابط پدر و فرزندی است. از این رو الغای خصوصیت از آن امکان‌پذیر نیست و از آن الزام شرعی استفاده نمی‌شود؛ اما بر رجحان به‌کارگیری از روش امر و نهی لسانی دلالت روشنی دارد.

۴-۱-۴. رساله حقوق امام سجاده^(ع)

وَأَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِهِ خَيْرُهُ وَشَرُّهُ وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ. (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۶۸)

رساله فوق با روش امر به معروف و نهی از منکر زبانی به‌صورت مستقیم ارتباط ندارد؛ اما از این جهت که یکی از روش‌های تأدیب و تربیت عبادی فرزندان، روش امر و نهی زبانی است، با بحث مرتبط می‌شود و بر رجحان مطلق به‌کارگیری از آن روش دلالت دارد؛ زیرا راهنمایی و دلالت به سوی پروردگار، هرچند به طرق مختلفی صورت می‌گیرد؛ اما قدر متیقن از آن‌ها، روش امر و نهی زبانی است.

بر اساس ادله فوق، به‌کارگیری روش امر و نهی زبانی در امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی، رجحان دارد؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت متعلق امر و نهی، در مواردی بتوان به‌جوب به‌کارگیری از روش امر و نهی زبانی حکم نمود. به‌طور نمونه هرگاه انتقال مفاهیم بنیادی و پایه یا احکام مبتلابه و ضروری به تربی و مخاطب جز با روش امر و زبانی میسر نباشد، وجوب به‌کارگیری روش مزبور، استنباط می‌شود.

۲-۳. روش مشورت

یکی دیگر از روش‌های امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی روش مشورت است. از آنجاکه در مشورت، افکار، نگرش و احساسات شخص با مشاور، به‌منظور تغییر یا اصلاح آن‌ها در میان گذاشته می‌شود، مشورت نوعی فرایند یادگیری، بازآموزی در

حوزه شناخت فردی به منظور تصمیم‌گیری منطقی است. بنا به تحقیقات، مشورت روش مؤثری برای آموزش و انتقال ارزش‌های (معروف) اجتماعی به متربیان است و مشاور می‌تواند، مخاطب را با فرایند آموزش و پذیرش الگوها و برنامه‌های خود، اقناع سازد. (اتولر، ۱۳۷۶: ۱۵۶)

مراد از روش مشورت، همفکری والدین در امور مربوط به رشد و کمال فرزند است. والدین نقش مؤثر و بی‌بدیلی در انتقال ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقادات و باورها به فرزندان دارند به گونه‌ای که تعالی و رشد فرزندان از خلال فهم و عمل به ارزش‌ها و باورها که در قالب دستورات شرع تبلور می‌یابد، صورت می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین راهکارهای انتقال و نهادینه کردن ارزش‌ها و دستورات شرع، از طریق امر به معروف و نهی از منکر والدین محقق می‌شود؛ اما موفقیت در این راه مستلزم همفکری، همکاری و مشورت والدین با یکدیگر است.

هم‌چنین بُعد دیگر روش مشورت، هم‌صحبت شدن با کودکان و همفکری با آنان در شناخت ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها و خوبی‌ها از زشتی‌ها است. هنگامی که والدین با فرزندان در این باره مشورت می‌کنند، او احساس می‌کند که پدر و مادر او را پذیرفته و به او اعتماد دارند. (جهانگرد، ۱۳۸۰: ۹۱) در نتیجه انگیزه او برای یادگیری و اطلاع از آموزه‌های والدین، تقویت می‌شود. بنابراین روش مشورت در امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی از دو جنبه بر امر و نهی کودکان نظارت دارد. یکی از جهت همفکری والدین در خصوص بهترین مصالح تربیتی کودکان و راه رسیدن به آن و دیگری از جهت مشورت، همفکری و آگاهی بخشی به فرزندان در شناخت معروف و منکر. نوجوان به دلیل تغییرات نگرشی، خود را انسانی فهیم و صاحب نظر می‌داند. از این رو به‌طور طبیعی با امر و نهی مستقیم زاویه می‌گیرد که در این میان، روش مشاوره در امر و نهی کردن آن‌ها بهترین شیوه تربیتی در این دوره سنی، به شمار می‌رود.

۱-۲-۳. بررسی ادله روش مشورت

در ادامه برخی از ادله منطبق بر روش فوق بررسی می‌شود.

آیه اَتَمَّار: اَسْكُنُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارَّوْهُنَّ لِتُضَيِّقُوْا عَلَيْنَّ



وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَاسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى. (طلاق: ۶)

مورد آیه شریفه، زن و مردی است که در اثر طلاق از همدیگر جدا شده‌اند. بعد از وضع حمل، اگر زن برای شیر دادن به نوزاد آمادگی داشت، اولویت شیردهی با مادر است که در این صورت زوج باید نفقه او را پرداخت کند. در این بحث، جمله «وَأُتِمُّوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ» آمده است. ائتمار و مشورت والدین یا در خصوص شیر دادن نوزاد است یا شیر دادن به عنوان مصداق بیان شده است و آیه هر موضوع مربوط تربیت فرزند را شامل می‌شود که تعمیم آیه، به یکی از دو گزینه، ترجیح دارد.

اولاً تمام آیات، به حداکثر ظرفیت خود قابل تعمیم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱: ۹-۱۳ و ۳: ۶۴-۶۷) ثانیاً حتی اگر آیه معنای خاص داشته باشد، الغای خصوصیت که امر عقلایی است، به راحتی حکم مستفاد از آیه را تعمیم می‌دهد. مفهوم آیه این است که والدین در مسائل مربوط به فرزندان با همدیگر مشورت کنند و استبداد رأی به خرج ندهند. از این رو نزدیک‌ترین معنا به امر و نهی خانوادگی این است که ائتمار به معنای «لیامر بعضکم بعضاً» باشد و در این صورت، آیه به لزوم استفاده از روش مشورت در امر و نهی فرزندان دلالت دارد.

گفتنی است که در مورد قید «به معروف»، دو احتمال متصور است. اول: «به معروف» متعلق «تشاوری» است در این صورت معنای جمله این است: به شیوه درست، مشورت کنید و مشورت، سرسری یا از سر اختلاف و انتقام نباشد. دوم: «به معروف» متعلق «تشاوری» است نه متعلق خود تشاوری؛ یعنی اموری که مورد مشورت قرار می‌گیرند باید معروف باشد. به عبارت دیگر، در محیط خانه، والدین باید خیر و صلاح فرزند را مدنظر قرار دهند. در مجموع آیه ائتمار فی الجمله بر رجحان به‌کارگیری از روش مشورت در امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی دلالت دارد. الف. آیه وصیت لقمان: ذکر امر به معروف در کنار سفارش به نماز، دلیل بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده از این آیه قابل استفاده است. رسالت بزرگ خانواده (پدر) آن است که از نماز فرزند غافل نباشد و به مدد شیوه‌های



تربیت اجتماعی، به تربیت فرزند همت گمارد.

بر اساس این آیه سفارش‌های به نماز، نیکی و پرهیز از بدی و بردباری در برابر مشکلات نسبت به فرزند، توجه به تربیت عبادی و اجتماعی فرزند دارد. لذا در این آیه خداوند توصیه‌های لقمان نسبت به فرزندش را با زبان امر و نهی بیان می‌کند. در این آیه بیان چند نکته ضروری است:

نکته مهم در دلالت آیه مبتنی به دانستن این نکته است که دستور لقمان نسبت به فرزندش چه نوع فرمانی است؟ آیا فرمان لقمان یک دستورالعمل مولوی و الزامی است یا یک فرمان ترجیحی؟ با حفظ اینکه این امر از ناحیه حضرت لقمان صادر شده و لقمان به عنوان یک فرد الهی مطرح است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ۴: ۱۴۱) نکته دیگر اینکه اوامر لقمان حکیم در قرآن، آیا دلالت بر وجوب می‌کند یا رجحان؟ مبتنی بر دو فرض محل بحث است:

برفرض پیامبر بودن لقمان: او به عنوان مبلّغ و رسول الهی از طرف خدا ابلاغ کننده پیام الهی است و اوامر لقمان در واقع، اوامر الهی است، او حکم الهی را برای فرزند خود بیان می‌کند. در این صورت آیه دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۹)

نسبت پدری و فرزند: بر فرض این که در آیه نسبت پدر و فرزند بیان شده و لقمان شأن ولایت پدری را اعمال می‌کند. در این صورت امر به معروف، خوب است منتها لقمان از موضع پدری نصیحت می‌کند و می‌گوید این کار را انجام بده و آن کار را ترک کن. در این صورت برآیند اوامر جز رجحان امر به معروف نیست. بنابراین اوامری که از لقمان در آیات و روایات به عنوان نصایح لقمان یا نصایح شخصیت‌هایی از این قبیل - نصایحی پدر به فرزندان و به نزدیکان - آمده است، مشمول دو احتمال زیر خواهد بود:

۱. احتمال اول این است که این اوامر به عنوان تبلیغ اوامر الهی، مطرح است و لقمان دارد ابلاغ امر می‌کند و مقام لقمان، مقام و شأن پیامبری است. علامه طباطبایی نیز معتقد است مقام ثبوتی لقمان، همان مقام نبوت است و روایتی را از



پیامبر^(ص) هم بر تائید ذکر نموده است. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ۴: ۱۴۱) طبق این دیدگاه امر به معروف دلالت بر الزام عمل می‌کند و علاوه بر آن از ساختار آیه و از جمله «إِنْ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» می‌شود الزام را استفاده کرد؛ زیرا «عزم» به معنای اراده محکم است و تعبیر به «عزم الامور» در اینجا یا به معنای کارهایی است که دستور مؤکد از سوی پروردگار به آن داده شده یا کارهای که انسان باید نسبت به آن عزم آهین و تصمیم راسخ داشته باشد و هرکدام از این دو معنا باشد، اشاره به اهمیت آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۵۳) پس اجرای امر به معروف و نهی از منکر برای پدر جهت هدایت فرزند امر لازم و واجب است.

اشکال بر استدال: اگر «من عزم الامور» قید همه گزاره‌های انشائی باشد در این صورت آیه دال بر لزوم امر به معروف است؛ اما در جایی که «من عزم» قید به جمله اخیر «و اصبر علی ما اصابک» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۱: ۸۹) باشد، لزوم امر به معروف را نمی‌توان استفاده کرد و در صورت تردید از قبیل استثنای متعدده می‌شود که در این صورت برگشت قید «من عزم الامور» به مورد آخر متیقن است و عود آن به همه جملات نیاز به قرینه دارد و چنین قرینه‌ای وجود ندارد؛ نتیجه اینکه الزام را از جمله «إِنْ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»، نمی‌شود استفاده کرد.

۲. احتمال دوم این است اوامر برای ابلاغ تربیت خانوادگی است، لقمان به عنوان ولی دلسوز نسبت به فرزند توصیه‌های اخلاقی و هدایت‌گرانه می‌کند. بنابراین در جای که فضا، فضای تربیت خانوادگی و ولایی است، الزام شرعی را نمی‌توان از آن استفاده کرد و خداوند فرمان می‌دهد بروید از موضع ولایی فرزندان را امر به نیکی و نهی از زشتی کنید؛ اما او هم واجب است این کار را بکند یا نه لازم نیست؛ مانند اینکه می‌گوید بچه را تمرین بده، برای شما لازم است این کار را بکنید، ولی بر او لازم نیست قبول کند.

بدون در نظر داشتن احتمالات ذکر شده، حکایت وصیت لقمان در قرآن کریم نشانه تأیید و امضای آن از سوی خداوند متعال است؛ زیرا قرآن کتاب قصه نیست بلکه کتاب هدایت‌گر است. بنابراین مفاد آیه نه فقط رجحانیت امر به معروف و نهی



از منکر، بلکه وجوب آن در فضای تعلیم و تربیت خانوادگی است. نکته دیگر الغای خصوصیت از مورد آیه است. خطاب آیه متوجه فرزندان لقمان^(ع) است؛ اما مورد مخصّص نیست. لذا با الغای خصوصیت مورد، آیه شامل همه مواردی می‌شود که نسبت پدر و پسر و تربیت برقرار است. ب. آیه امر خانواده به نماز و زکات: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»؛ (مریم: ۵۵) و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده رفتار بود.

پیش از بررسی دلالت آیه به چند نکته برای روشن شدن معنای آیه، اشاره می‌شود: تقید آیه: آیه از سه جهت، خاص و مقید شده است:

۱. فاعل مأموریت، پیامبری از پیامبران سلف به نام اسماعیل است؛ (مریم: ۵۴)
۲. متعلق امر در آیه شریفه عبارت است از اهل. لذا از ادله امر به معروف و نهی از منکر، در فضای خانواده محسوب می‌شود؛
۳. مأمور به امر مطلق معروف نیست، بلکه در تربیت عبادی به نماز و زکات به عنوان نمونه‌ای دو عبادت بدنی و مالی مورد تأکید قرار گرفته است دارد. الغای خصوصیت از متعلق آیه: باینکه مورد آیه از سه جهت خاص است؛ اما می‌توان از حیث متعلق، الغای خصوصیت نمود؛ زیرا آیه اشاره به ویژگی‌هایی دارد که مختص به تکلیف در فضای خانواده است. لذا می‌توان حکم مستفاد از آیه را سرایت داد به همه پدرانی که دارای اهل هستند؛ اما نسبت به صلوة و زکات هم فضا برای الغای خصوصیت وجود دارد به این بیان در تربیت خانوادگی غیر از صلوة و زکات که جنبه عبادت بدنی و مالی دارد، چیزهای دیگر نیز همین حکم را دارد. مثل روزه امر به معروف و نهی از منکر و آیه شامل آن موارد نیز می‌شود. بنابراین آیه بحث تربیتی را در فضای خانواده مطرح می‌کند.

بررسی دلالت آیه: آیه شریفه اشاره به امر به معروف در فضای خانواده دارد. پرسش این است که امر اهل خانواده به نماز و زکات به عنوان دو عبادت بدنی و مالی دارای چه حکمی است؟ تردیدی نیست متعلق امر در آیه‌ای شریفه نماز و زکات است



و نماز و زکات جز فروع دین واجبات است. پس می‌توان استفاده کرد که امر به نماز و زکات خانواده از سوی پدر الزامی است. دلیل بر الزام امر به معروف و نهی از منکر این است در آیه ساختار امر، به صورت فعل استمراری است و جمله «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ» ترکیب از فعل ماضی و مستقبل، دلالت به استمرار و تداوم امر به اهل خانواده دارد. از نظر برخی مفسران دلالت ترکیب فعل ماضی و مضارع بر وجوب بیشتر از امر نباشد کمتر نیست. در علم اصول در بحث حجیت فعل معصوم این بحث مطرح شده است که فعل معصوم^(ع) دلالت بر رجحان فعل می‌کند؛ اما اگر فعل معصوم^(ع) به صورت ساختار استمراری ذکر شود، در این صورت الزام فعل استفاده می‌شود. بنابراین جمله «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»، دلالت آیه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر در محیط خانواده تقویت می‌شود.

بنابراین آیه مورد بحث مانند دو آیه قبل، امر به معروف و نهی از منکر را به حیث دوروش تربیتی در فضای خانواده مطرح نموده است و حضرت اسماعیل^(ع) به عنوان یک پدر مربی، مکلف است که در تربیت عبادی و اجتماعی فرزند به صورت پیوسته امر به نماز و زکات و کارهای نیک نماید و در تربیت صحیح اهل خانواده به خصوص فرزندان، غفلت نکند. در آیات قبل اشاره شد که از زیبایی‌های قرآن کریم تعمیم‌پذیری معارف بلند آن است. از این رو مورد نزول در جای که دلیل خاص نباشد، مخصص نیست و شامل همه موارد می‌شود که نسبت پدر و پسر برقرار باشد. بنابراین از ساختار آیه شریفه «كَانَ يَأْمُرُ» استمرار فعل استفاده می‌شود و متعلق امر، نماز و زکات دو امر وجوبی است. لذا از آیه یک تکلیف الزامی فعل در فضای خانواده، استفاده می‌گردد.

ج. آیه اصطبار: یکی دیگر از آیاتی که امر به معروف را به عنوان تکلیف خاص تربیتی در فضای خانواده مطرح نموده، آیه ۱۳۲ سوره طه است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى».

بررسی دلالت آیه: آیه مورد بحث مانند آیه قبل از سه جهت خاص است؛ زیرا مخاطب آیه شخص پیامبر^(ص) است، آیه اختصاص به تربیت خانوادگی دارد و



مأمور به در آیه، نماز است؛ اما با الغای خصوصیت می‌توان شأن نزول آیه را به هر ولی و هر کسی که پدر باشد و اهل داشته باشد، تعمیم داد. از آنجا که مأمور به نماز است و پیامبر (ص) بعد از نزول آیه تا نه ماه به دری خانه علی (ع) و فاطمه (س) برای یادآوری نماز می‌رفتند، استفاده می‌شود که حکم مستفاد از آی مثل آیه قبل، الزام امر به معروف (مصادق اتم معروف) و نهی از منکر در فضای خانواده است. (طبری، ۲۰۰۹: ذیل آیه)

د. آیه امر به معروف نسبت به اقوام: یکی دیگر از آیات امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانواده، آیه‌ای است که امر به معروف را نسبت به اقوام بیان می‌کند. «وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ»؛ (اعراف: ۱۴۵) و در الواح تورات برای او در هر موردی پندی و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم، پس فرمود: آن را ای موسی به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می‌نمایانم.

بررسی دلالت آیه: حکم مستفاد از آیه، رجحان امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا در آیه «یاخذوا باحسنها» اخذ به احسن آمده است. در ذات صیغه افعال التفضیل مقایسه نهفته است و در جای که مقایسه باشد، دلالت بیش از رجحان فعل را افاده نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار سعی شد روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه شرعی نهاد مقدس خانواده بررسی گردد. این تحقیق به دلیل نگاه درون دینی، به مدد ادله عقلی و نقلی (قرآن و حدیث) بررسی شده و روش‌های اجرایی امر و نهی با نگاه فقه‌ای و اجتهادی تدقیق شد. برای اثبات وظیفه داشتن خانواده به آیات زیادی و روایات ذیل آیات مذکور استدلال شده است. روش‌های اجرای امر به معروف و نهی از منکر در فضای خانواده به دور روش امر و نهی لسانی و روش مشورت است.



روش امر و نهی زبانی به آیات وقایه، امر به نماز، اضطبار، وصیت لقمان و رساله حقوق حضرت امام سجاد^(ع) مستند شد. روش «مشورت» با ادله قرآنی (آیه ائتمار، وصیت لقمان، امر خانواده به نماز، آیه اضطبار و آیه امر به معروف نسبت به اقوام) و روایات ذیل آیات فوق مستند شد. از مجموع ادله عقلی، قرآنی و روایی رجحان، بلکه در برخی مراتبی آن (مانند امر به نماز واجب در سن تکلیف) ممکن است حکم به وجوب امر و نهی بشود.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی

۲. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز،

بیروت: دار الکتب العلمیه.

۳. ابو حیان، محمد بن یوسف، (۲۰۰۰م)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.

۴. آلوسی، محمود بن عبد الله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم،

تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۵. بینگر، اتولر، (۱۳۷۶)، ارتباطات اقناعی، (ترجمه: علی رستمی)، تهران، نشر صدا

و سیما.

۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح، تاج اللغة وصحاح العربية،

بیروت: دارالعلم للملایین.

۷. جهانگرد، یدالله، (۱۳۸۰)، نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران: انجمن اولیا و مربیان.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق:

دارالشامیه.

۹. سیوری حلی، مقداد بن عبد الله (فاضل مقداد)، (۱۴۲۵ق)، کنز العرفان فی فقه

القرآن، قم، انتشارات مرتضوی.

۱۰. شهید ثانی، (بی تا)، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، نجف: مجمع الفکر

الاسلامی.

۱۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم

الکتب.

۱۳۶



۱۴۰۲

بهار و تابستان



شماره پنجم



سال سوم



دوفصلنامه یافته‌های مدیریت آموزشی



دوفصلنامه یافته‌های مدیریت آموزشی



دوفصلنامه یافته‌های مدیریت آموزشی



دوفصلنامه یافته‌های مدیریت آموزشی



دوفصلنامه یافته‌های مدیریت آموزشی



۱۲. صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، علی بن حسن، (بی‌تا)، *مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار*، نجف اشرف، مکتبه الحیدریه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۴۷)، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۲۰۰۹م)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۸. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، (تحقیق: سید احمد حسینی)، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. طوسی، محمد حسن، (۱۴۰۶ق)، *الاقتصاد فیما یعلق بالاعتقاد*، بیروت: دار الأضواء.
۲۰. عمید، حسن، (۱۳۷۵)، *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۲۲. فیض کاشانی، مولی محسن، (۱۴۰۲ق)، *تفسیر الصافی*، بیروت: موسسه الاعلمی المطبوعات.
۲۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۲۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، *تفسیر القمی*، (تحقیق: سید طیب موسوی جزایری)، قم: دارالکتاب.
۲۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.



۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، قم: نشر تفکر.
۲۹. المنذری، ابومنصور زکی الدین، (۱۴۳۹)، الترغیب و الترہیب، کتابخانہ قلم.
۳۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۲۲ق)، رسائل و مسائل، قم: کنگره فاضلین نراقی.
۳۱. نووی الجاوی، محمد بن عمر، (۱۴۱۷ق)، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۲. نیاوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون تفسیر الماوردی، (مقرر: عبدالرحیم، سید بن عبدالمقصود)، بیروت: دار الکتب العلمیة.